

تأثیر مشارکت سیاسی زنان بر روند بیداری اسلامی

صدیقه فصیحی*

چکیده

امروزه مشارکت سیاسی از جمله اموری است که از سوی محافل روشن فکری بسیار توجه قرار گرفته است و تمام حرکات بزرگ و تحولات عظیم یک جامعه بستگی به میزان مشارکت عمومی افراد آن دارد. یکی از تحولات عظیم جهان اسلام در قرن معاصر موج بیداری اسلامی است که خواهان حکومت اسلامی هستند. این حرکت آغاز نمی‌شد، مگر از طریق مشارکت-های سیاسی و یکپارچگی مردان و بالاخص زنان که نقش مهم و کلیدی در این تحول بزرگ سیاسی ایفا می‌کنند؛ در این مقاله بر آنیم که نقش مشارکت سیاسی زنان را در موج عظیم بیداری اسلامی بررسی کنیم.

در این نوشتار تاثیر مشارکت سیاسی زنان در موج بیداری اسلامی، دیدگاه اسلام درباره ورود زنان به عرصه فعالیت‌های سیاسی و موانع و راهکارهای آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: زنان، بیداری اسلامی، مشارکت سیاسی، سیاست، حکومت اسلامی

*. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی جامعه‌المصطفیٰ ع العالمیه. / Fasihi.sedighe@gmail.com

مقدمه

در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و فعالیت‌های گوناگون، زن مسلمان مانند مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است و آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند انجام دهد.

زنان نیمی از انسان‌های این کره خاکی هستند که نقش بسیار مهمی در جنبش‌ها و نهضت‌ها و انقلاب‌ها داشته‌اند. حساسیت نقش زنان برخاسته از عمق تأثیرگذاری زنان در تمامی عرصه‌های زندگی است. برای نمونه می‌توان از نقش تأثیرگذار حضرت زینب علیها السلام در قیام پرحادثه عاشورا نام برد که یکی از نمونه‌های درخشانی است که اهمیت جایگاه زنان را در تاریخ اسلام به تصویر می‌کشد.

نقش تأثیرگذار مشارکت سیاسی زنان ایرانی در پیروزی انقلاب اسلامی غیرقابل انکار و ستودنی است. این نقش علاوه بر اینکه انقلاب، الگویی برای انقلابات منطقه خاورمیانه شده است زنان کشورهای عربی نیز با الگوپذیری از زنان مسلمان ایران در این انقلابات فعالیت‌های چشم‌گیری انجام می‌دهند.

مفهوم شناسی

بیداری اسلامی

در تعریف بیداری اسلامی باید گفت که در بین اندیشمندان و پژوهشگران وفاق وجود ندارد، به‌طور عام و کلی می‌توان گفت که «مجموعه‌ای از باورهای دینی است که در دوره کنونی در میان مسلمانان عالم شیوع پیدا کرده است اساساً بیداری اسلامی از مصادیق باورها و گرای‌های معنوی در جهان اسلام است، پس حرکتی را که هدف آن بازگشت به اسلام ناب و هویت فراموش شده دینی، رهایی از دست استکبار جهانی باشد بیداری اسلامی گویند.» (جلالی‌فرد، ۱۳۹۰: ۵۰).

واژه بیداری اسلامی که نخست در بیانات سیاسی مقام معظم رهبری مطرح گردید به دلیل غلبه معنی هوشیاری و آگاهی که با جریان‌ات سیاسی اخیر مرتبط بود. در جهان عرب با

واژه «الصحوه» ترجمه شد که غالباً همان به همان معنای هوشیاری است. (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲).

بیداری اسلامی پدیده‌ای عظیم و دو مرحله‌ای است که در مرحله نخست در پی استیلاي استعمار غرب و شرق بر کشورهای مسلمان از نیمه دوم قرن بیستم با هدف بازگشت به اسلام و فرهنگ آن آغاز گشت؛

اما این مرحله با حاکمیت مزدوران و دست‌نشانده‌های استعمار، سرکوب شد و مرحله دوم از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آغاز گشت و همزمان با استقرار نظام حکومتی اسلامی در ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی چون کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاکستان، افغانستان و کشورهای شمال آفریقا رخ داد.

شکوفایی انقلاب اسلامی از یک سو و گسترش استبداد و ظلم حاکمان مستبد کشورهای اسلامی از سوی دیگر، باعث آغاز مرحله دوم بیداری اسلامی در خاورمیانه گشت و چنان‌که شاهدیم، مزدوران استعمار علی‌رغم حمایت‌های اربابان غربی خود، یکی پس از دیگری به دست مردم خود به جهنم روانه می‌شوند. مانند صدام حسین، حسنی مبارک، معمر قذافی و....

سیاست

واژه سیاست از مصدر ساس است و در زبان عربی به معنای تربیت اسب است. (سجادی، ۱۳۷۳: ۲/۱۰۲۶)

در معجم مصطلحات و الفاظ فقیه آمده است: قیام برای چیزی و تصرف در آن برای آنچه که صلاحیتش را دارد. (عبدالرحمن، بی‌تا: ۳۷۵).

در فرهنگ عمید نیز سیاست این‌گونه معنا شده است: سیاست یعنی اداره کردن امور مملکت، اصلاح امور مملکت، اصلاح امور خلق و امور داخلی و خارجی کشور، رعیت داری کردن. (عمید، ۱۳۷۲: ۱۸۰۷).

دهخدا چنین آورده است: سیاست به معنای پاس داشت ملک، نگاهداشتن، حکم راندن بر رعیت، حکومت و ریاست داوری. (دهخدا، ۱۳۴۰: ۴۶۰).

در معنای اصطلاحی سیاست در اسلام به دیدگاه صاحب‌نظران مراجعه می‌کنیم:

حضرت امام خمینی^(ه) در تعریف سیاست می‌فرماید:

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را مدنظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف چیزی که صلاحشان است، صلاح ملت است، اصلاح افراد است و این مختص انبیاء است، دیگران این سیاست را نمی‌تواند اداره کنند این مختص به انبیاء و اولیاء و به تبع آن به علمای بیدار دین...» (خدادادی، ۱۳۸۰: ۲۰).

استاد محمدتقی جعفری در تعریف سیاست می‌گوید:

«سیاست عبارت است از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول» (جعفری، ۱۳۶۹: ۴۱).

مشارکت سیاسی

این مفهوم مانند بسیاری از دیگر مفاهیم اجتماعی نیز محل برخورد آراء و عقاید مختلف بوده است. به چند نمونه از مصطلح‌ترین آن می‌پردازیم:

- مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌گذاری عمومی است (مردانگی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

- بعضی مشارکت سیاسی را هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق و سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر شامل به‌کارگیری روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر و انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی را در هر سطحی از حکومت می‌دانند.

- مشارکت سیاسی در جامعه دینی و اسلامی: مشارکت سیاسی تأثیر و نقش مردم بر ساختار حکومتی و رفتار دولت مردان و کلیه امور سیاسی به صورت نهادینه و با روش‌های مشروع در جامعه و حکومت اسلامی می‌باشد (عظیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که دو تفکر مهم مسلط در این زمینه وجود دارد اول مشارکت با ذکر خصوصاتی مانند داوطلبانه، انتخاب، قانونی؛ و دوم مشارکت با ذکر کوشش-های مردم در هر نوع نظام سیاسی برای اثرگذاری است.

تاریخچه مشارکت زنان در سیاست

مشارکت سیاسی زنان تاریخه طولانی دارد چنانچه قرآن کریم از حکومت ملکه سبا سخن می‌گوید و در تاریخ صدر اسلام حضرت خدیجه با حمایت‌های تربیتی و مالی و عاطفی و از همه مهم‌تر حمایت ایمانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش برجسته‌ای در سیاست و حکومت اسلامی آن روز ایفا کرد.

و همچنین حضرت زهرا علیها السلام سرور زنان جهان نخستین کسی بود که اقدام به حراست از سیاست عدالت گستر اسلام کرد و ماندگارترین نقش سیاسی خود را با خطبه فدک ایفا کرد خطبه‌اش را با بیان اصول اعتقادی اسلام، توحید و نبوت و امامت آغاز کرد و در آخر اشاره به اسلام نو پا و نقش حضرت علی علیه السلام در دفاع از آن کرد آنگاه با سخنان قرایی به بیداری مسلمانان و انتقاد از سکوت آنان در باره انحرافات پیش آمده پرداخت (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۴۹).

نقش دیگر حضرت فاطمه علیها السلام با تربیت امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام را در مردان و شیر زنان تاریخ سازش را به جامعه بشریت تقدیم کرد.

در ایران نقطه آغازین حضور زنان در جامعه و مشارکت سیاسی ایشان را می‌توان در پشتیبانی از فتوای مرحوم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو دانست. از طرفی دیگر نقش برجسته زنان را در مشروطه و امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۹ شمسی، نمی‌توان نادیده گرفت. و بزرگ‌ترین مشارکت سیاسی زنان در طول تاریخ را می‌توان پیروزی انقلاب اسلامی دانست که زنان سهم عظیمی در وقوع آن داشتند در واقع این حادثه را می‌توان تاریخ بیداری زنان ایران زمین دانست. (بشیری، ۱۳۷۴: ۲۹۰).

حال با گذشت ۳۶ سال از انقلاب اسلامی می‌بینیم این انقلاب از یک سو تعریف انسانی از زن ارائه می‌دهد و از سوی دیگر الگویی برای انقلابات منطقه خاورمیانه شده است زنان کشورهای عربی در منطقه به‌ویژه مصر، لیبی، بحرین، تونس و یمن و... نیز با الگوپذیری از زنان مسلمان ایران در این انقلاب‌ها فعالیت‌های چشمگیری انجام می‌دهند.

ادله جواز مشارکت سیاسی زنان در اسلام

مکتب اسلام در پرتو راهنمایی‌های قرآن و سنت نبوی و عترت رسول مکرم اسلام ﷺ سلم به زن آنچه را که شایسته او بود اعطا نمود؛ و شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شعور اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهاى به ودیعت گرفته شده، در تمام میدان‌ها که نیاز به حضور اوست نقش ایفا کند. در این زمینه می‌توان به ادله‌ای از قرآن و روایت و سیره معصومین علیهم‌السلام به مسأله مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون قدرت و حکومت استناد بجوییم.

قرآن کریم

یکی از مهم‌ترین آیات که که به واسطه آن به جواز مشارکت می‌توان دست یافت این آیه است:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱).

«مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کند نماز بپا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول را اطاعت می‌کنند آنان را البته خداوند مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است» این آیه به مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد این مسئولیت به صراحت به عهده مردان و زنان قرار داده شده است و مقدار آن برای هر دو ثابت است.

آیه دیگر:

«إِنِّي وَجَدتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ...» (نمل: ۲۳).

«همانا در آن ملک زنی را یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هرگونه امور دنیوی عطا شده بود و علاوه بر این‌ها تخت با عظمتی داشت»



در این آیات خداوند از زن هوشمند و با درایتی سخن می‌گوید که بر سرزمینی حکومت می‌کند و با دعوت سلیمان علیه السلام از کیش شرک به توحید روی می‌آورد.

استاد شهید مطهری درباره این آیات فرموده‌اند:

«در قرآن داستان‌های زیادی ذکر شده است و نظرش تنها نقل تاریخ نیست بلکه نکات برجسته‌ای است که در آن داستان وجود دارد را گوشزد می‌کند یکی از قصه‌هایی که قرآن نقل کرده است داستان ملکه سبا است این داستان را جزئیات نقل کرده است بدون اینکه انتقادی کرده باشد که چرا آن‌ها را پادشاه خودشان قرارداده است و این را می‌رساند که قرآن با این موضوع مخالف نیست؛ اتفاقاً قرآن در اینجا آنچه که از این زن نقل می‌کند نکات خیلی برجسته‌ای است یعنی قهرمان داستان در واقع خود این زن است» (مطهری، ۱۳۶۴: ۵۷).

این آیات بیانگر صلاحیت و شایستگی و همچنین حق زنان در سهم گرفتن و ایفای نقش در زمینه امور سیاسی و قدرت و حاکمیت است خداوند به الگوی مدیریتی سالم یک زن اشاره می‌کند که اصول را رعایت کرده است.

روایت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من اصبح و امسی و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس مسلم» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۵۶). کسی که صبح و شام کند و به امور مسلمین اهتمام نوزد مسلمان نیست. امور مسلمانان بدون شک شامل امور سیاسی آنان نیز می‌شود و در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله عام خطاب کرده است و نفرموده که بر مردی که صبح و شام کند. در حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته» همه شما نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع مسئول هستید. (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۷۲، ۳۸).

مورد خطاب این روایت فقط مردان نبوده است بلکه زنان را خطاب قرار داده است. چگونه ممکن است مسئولیت به کسی داده شود اما اجازه انجام آن داده نشود.

ج) سیره معصومین علیهم‌السلام

از قسم اول می‌توان به فعالیت‌های سیاسی حضرت زهرا علیها‌السلام در احقاق حقوق پایمال شده همسر بزرگوارش علی علیه‌السلام اشاره نمود. که چگونه پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با حضرت علی علیه‌السلام به خانه‌های مهاجر و انصار رفته و آنان را بر حقایق آگاه می‌ساختند. و همچنین سخنرانی ایشان علیه هیئت حاکم و قت می‌توان اشاره کرد.

در سیره حضرت زینب علیها‌السلام گرچه به عصمت ایشان تصریح نشده است اما مورد تأیید امام قرار داشت؛ تأثیر برجسته ایشان را در بیان حقانیت راه امام حسین علیه‌السلام برای مردم جاهل و غفلت‌زده بر کسی پوشیده نیست.

به‌طور خلاصه به چند مورد از فعالیت سیاسی توسط زنان در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام اشاره می‌کنیم:

۱. بیعت زنان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عقبه اولی، عقبه ثانی، فتح مکه، بیعت رضوان، بیعت در غدیرخم؛

۲. هجرت زنان به حبشه و مدینه به امر خداوند و دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛

۳. دفاع ام‌سلمه از امام علی علیه‌السلام و تلاش برای جلوگیری از وقوع جنگ جمل و پس از شهادت حضرت علی علیه‌السلام معاویه دستور سب آن حضرت را در منابر داده بودند ام‌سلمه نامه‌ای به معاویه نوشت با این مضمون:

«شما بالای منبرتان خدا و رسولش را لعنت می‌کنید و این بدین دلیل است که شما علی بن ابی طالب و دوستانش را لعنت می‌کنید و من گواهی می‌دهم که خدا و سولش دوستدار او هستند» (حکیمی، ۱۴۰۳: ۶۲۷).

در رویارویی و استراتژی برخورد این بانوان با جریانات فکری - فرهنگی - سیاسی زمان خود، درایت‌ها و هوشمندی‌ها و تعمق‌هایی یافت می‌شود که اعجاب برانگیز است (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

۴. حضور زنانی چون حضرت زهرا علیها السلام، ام‌ایمن، ام‌عمار، ام‌یمه و... در جبهه‌ها (آیتی، ۱۳۸۶: ۲۹۹).

۵. حضور زنان و فرزندان در قیام امام حسین علیه السلام.

همه موارد بیان شده نشان از اثبات و تأیید مشارکت و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان توسط خداوند و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد (عظیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸).

ضرورت مشارکت سیاسی زنان در موج بیداری اسلامی

هویت و هدف این بیداری اسلامی تشکیل حکومت دینی و اجرای شریعت می‌باشد و وسیله رسیدن به این اهداف مشارکت سیاسی می‌باشد مانند تظاهرات و ایجاد تشکل‌های سیاسی و مذهبی و تبلیغ در راستای آگاه‌سازی اقشار جامعه و... هدف و وسیله رسیدن به این اهداف مشخص است اما در اینکه چه کسانی مجری آن باشند شاید عده‌ای بگویند که مسلم است مردان هر جامعه‌ای تعیین‌کننده سرنوشت آن جامعه می‌باشند اما تاریخ خلاف آن را ثابت کرده است.

این اهداف تنها با تلاش مردان به ثمر نمی‌رسد؛ زیرا زن نیمی از پیکر اجتماع است و با در نظر داشتن روند تاریخی در رابطه با زنان می‌توان جایگاه زنان را در نظام هستی و نقش و تأثیر بسزای آنان را دریافت.

زن در تمامی وقایع و فرآیندهای جاری در طول تاریخ ارتباط مستقیم داشته است. زنان با ایمان در این راه همانند زمینه‌های دیگر که در آن برادرانشان را یاری می‌کردند، به کمک مردان آمده و با او مشارکت فعال داشته‌اند. بنابراین سزاوار است اگر گفته شود: «همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود و زن مبدأ همه خیرات است» و «اگر زن متحول شود، جامعه متحول می‌شود» زن در تمدن اسلامی، پیش و بیش از آن که جلوه و تکلیف بیرونی داشته، به بنیان‌گذاری سیاست‌های عمیق تربیتی در بستر خانواده همت گماشته و با تأمین پشتوانه تربیت و آرامش و استحکام خانواده، هر زمانی که نیاز به حضور و ظهور در صحنه‌ها و میادین اجتماعی را تکلیف پنداشته است، دوشادوش مردان، مبادرت ورزیده است. (www.lalay.ir)

وقتی زنان پا به عرصه مشارکت سیاسی می‌گذارند و در میدان مبارزه حضور میابند با آمدنشان اعضای خانواده را نیز ترغیب می‌کنند از اعضای خانواده و گروه‌های اجتماعی که انتظار می‌رود پیش‌قراول کاری باشند، وقتی می‌بینند زنان به میدان آمده‌اند، آن‌ها هم ترغیب می‌شوند. لذا این مسئله نقش تأثیرگذاری را به زنان می‌دهد که یعنی این‌جا کثرت و کمیّت مهمّ نیست، بلکه کیفیت حضور مهمّ است.

امام خمینی^(ه) درباره مشارکت سیاسی زنان چنین می‌گوید:

«زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند» (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی^(ه)، ۱۳۷۶: ۶۷).

«آشفستگی‌ها باید به دست ما و شما و تنها هیچ‌کدام نمی‌توانند کارها را درست بکنند. اگر خانم‌ها خیال کنند که کنار بروند و مردها این کار را انجام دهد و... این خیال، خیال صحیحی نیست» (همان).

همین که زنان درد جامعه را احساس کنند و خاموش نباشند همین که زنان محرک خیلی از قیام‌ها و بیداری‌ها باشند زن حقّ انتخاب سرنوشت جامعه خود را داشته باشد زن بداند در کشورش چه می‌گذرد زن از عقب‌ماندگی جامعه خود بترسد زن در تربیت فرزندان آزاده بکوشد و از دین و کیان اسلام حفاظت کند چنین زنان در جامعه تأثیرگذار خواهند بود و به اهداف بیداری اسلامی تحقق می‌بخشند.

همانگونه که شاهد هستیم زنان مسلمان در منطقه بویژه مصر، لیبی، بحرین، تونس، یمن و... همچون سمیه در مقابل دشمن سینه سپر کرده‌اند. این حضور و شجاعت، یادآور نقش برجسته و تاریخ‌ساز بانوان مسلمان ایرانی در جریان انقلاب اسلامی ایران در ۳۶ سال پیش است. زنان مصری با حضور پررنگ خود در میان تظاهرکنندگان و درجای جای مصر ثابت کردند آنچه غربیان در مورد انزوای زنان مسلمان می‌گویند دروغی بیش نیست.

مشارکت زنان در انقلاب تونس، لیبی و یمن و... نیز توجه جهانیان را به خود معطوف کرده است. حضور زنان مسلمان نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شرّ خودکامگان سیاسی است.

در بحرین نیز انبوهی از زنان محجبه مسلمان در کنار دیگر هموطنان خود، خواستار سرنگونی خاندان آل خلیفه هستند. بیداری اسلامی در زنان بحرینی نشانگر آگاهی آنان درباره نقش مؤثر و سرنوشت‌ساز خود در اصلاح جامعه خویش است.

می‌بینیم نقش زنان در کشورهای عربی منطقه که بیداری اسلامی سر می‌دهند و سران استبداد را به خواری انداخته‌اند کمتر از مردها نیست. (jamaran.ghasam.ir) بنابراین، زنان به عنوان بخش مهمی از پیکر اجتماع، حامل بار سنگین مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی هستند و دوشادوش مردان می‌توانند در صحنه‌های گوناگون حضور یابند. در هر جامعه‌ای یکی از فراگردهای مهم، مشارکت سیاسی و اجتماعی می‌باشد که آحاد مردم اعم از مرد و زن به عنوان عضو جامعه و نظام اجتماعی در آن سهیم هستند؛ زیرا یکی از عواملی که می‌تواند نقش مؤثری در فرایند موج بیداری اسلامی ایفا نماید، مشارکت عمومی است. به همین خاطر از نظر نظریه‌پردازان توسعه، مشارکت یکی از ارکان و عوامل مؤثر در رشد و توسعه در هر جامعه‌ای به حساب می‌آید.

موانع مشارکت سیاسی زنان

چرایی و چگونگی عقب‌نشینی زن از میدان سیاست بحثی طولانی است که البته در این مجال اندک نمی‌گنجد، اما می‌توان فهرست‌وار به چند نمونه از دلایل اساسی آن اشاره داشت:

۱-۵. تفاوت‌های فیزیکی و بیولوژیکی میان زن و مرد که رفته رفته کشف شده و مورد توجه هر دو گروه قرار گرفته است؛ مردان به قدرت بدنی خود بالیدند و ضعف جسمانی زنان را در مقایسه با نیروی خود چنان بزرگ جلوه دادند که به تدریج این باور در ذهن زن نیز قوی و قوی‌تر شد که او به هر حال قادر به انجام آنچه مردان می‌کنند نیست و نباید تلاش کند تا هم پای آنان از پس هرکاری برآید.

۲-۵. تفاوت‌های ذهنی میان دو جنس که زن را موجودی دقیق به جزئیات و پایبند به علایق و احساسات معرفی کرد و مرد را دنباله رو منطق و عقل و در اغلب موارد کلی‌نگر. (www.aftabir.com)

۳-۵. قدرت باروری زن که مرد را همواره نیازمند خود ساخته بود و مرد بزرگ‌ترین نقطه ضعف وجود خود را در این وابستگی می‌دید؛ بدون آنکه در ازای آن قدرتی در خود بیابد. (گرچه در رد این مورد ادعا شده است زن نیز دچار نقطه ضعفی مشابه است، اما نکته اساسی آنجاست که نسل‌آفرینی و افتخار به نسل زاده شده هرگز موضوعی زنانه نبوده است. درحالی‌که زن از روی گزینه برای هر فرزندی که به دنیا آمده مادر بوده است، مردان همواره از نابودی نسل خویش هراس داشته‌اند.

۴-۵. قوانین مذهبی که برای زن و مرد یکسان نیستند و برای هرکدام بنا بر اقتضای وجودی قوانینی را تعیین نموده است. به این ترتیب که ادیان عمدتاً برای تأکید بر مقام بالای زن او را از فعالیت‌های مردانه و دخالت در اوضاع اجتماعی برحذر داشته‌اند. (www.dokhtiran.ir)

۵-۵. متأسفانه یک‌سری نگرش‌های سنتی و بی‌پایه و اساس در قالب شعر و ادبیات، باورهای دینی و فرهنگی و ذهنیت‌های مردم وجود دارد که زن را ضمن اینکه پایین‌تر از مرد معرفی می‌کند، او را موجودی می‌داند که توانمندی لازم برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و قبول مسئولیت‌ها را ندارد.

۶-۵. فقر علمی: در بعضی از مناطق یا حتی بعضی از کشورها زنان حق تحصیل ندارند و از فضاهای علمی محروم هستند آن‌ها شاید نداند در کشور آن‌ها چه می‌گذرد نسبت به حقوق خود آگاهی نداشته باشند و از مسائل اجتماعی و سیاسی اطلاعات کافی و اولیه نداشته باشند.

بنابراین با چنین وضعیتی، مسأله مقابله با این باورهای غیرمنطقی و غلط بی‌پایه و اساس و رفع آن‌ها از برخی باورهای دینی، ادبیات و فرهنگ جامعه به منظور ایجاد فضای مناسب و مساعد برای مشارکت زنان در جامعه، یک امر بسیار مهم و حیاتی به‌شمار می‌آید.

راهکارهای ورود زنان به عرصه مشارکت سیاسی

برای افزایش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان باید به مجموعه‌ای از عوامل و مسائل توجه داشت تا زنان بتوانند از آن رهگذر، حضوری مستمر و مؤثر در جامعه داشته و در

فرایند رشد و توسعه کشور نقش آفرین باشند. به همین منظور به راهکارهای مؤثر برای ورود زنان در عرصه‌های سیاسی به‌طور خلاصه می‌پردازیم:

۱-۶. آگاهی‌رساندن: زنان باید از نقش خود در جامعه آگاهی پیدا کنند و مسئولیت‌های خود را بشناسند و بصیرت نسبت به جامعه خود شناخت و بصیرت داشته باشند تا ایجاد زمینه-سازی مشارکت سیاسی و اجتماعی گردد.

۲-۶. شخصیت زنان از طرف جامعه، دولت و سازمان‌های اجتماعی مورد توجه منطقی و معقول قرارگیرد. اگر زنان به تناسب امکاناتی که فضای فکری جامعه، نظام آموزشی فرهنگ سیاسی، فرهنگ خانواده و برنامه‌ریزی عمومی که در اختیار آنها می‌گذارد به کشف استعدادها، ارتقاء اعتماد به نفس، تفکر و عادت به فکر کردن و اعتلای شخصیت خود بپردازند، طبیعی است که زمینه‌های مناسب‌تری برای مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان فراهم خواهد آمد.

۳-۶. تبلیغات و اقدامات ضروری برای تقویت علاقه‌مندی زنان به جامعه از طریق رسانه-های نوشتاری و صوتی و تصویری به عمل بیاید.

۴-۶. تعالیم دینی: باید زنان از تعالیم دینی مربوط به خودشان به روش صحیح اطلاع داشته باشند آنها باید بشناسند نظر دین درباره زنان چیست و چه ارزش والای برخوردارند و اینکه اسلام هیچگاه نخواست زن را محصور کند و زن و مرد را یکسان می‌داند در تعالیم دینی برای هر کدام تناسب به خودشان وظایفی دارند که هیچ‌کدام موجب ضد ارزشی شدن زن نیستند و آنچه غربیان از زنان مسلمان یافته‌اند اشتباه محض است.

۵-۶. روحیه جمعی زنان تقویت گردد: با ایجاد تشکلهای سیاسی و بسیج زنان گردهمایی‌های مربوط به مسایل زنان و ایجاد محیط ورزشی برای زنان و

۶-۶. تلاش در جهت زدودن باورهای منفی و غلط که زن موجود یک بعدی و محصور در چهارچوب خانه می‌باشد.

۷-۶. ایجاد علاقه‌مندی و تشویق: از شخصیت‌های زنان موفق تجلیل شود و زنان الگو و موفق در زمینه‌های سیاسی و مذهبی را معرفی کنند. راهکارهای بسیاری در این زمینه هست که باید به‌طور مفصل به آن پرداخته شود.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه در مقاله حاضر گذشت به این نتیجه می‌رسیم که موج عظیم بیداری اسلامی وظیفه همه اقشار جامعه است و مسئولیت اجرای آن تنها بدوش مردان نیست بلکه زنان که جمعیت نیمی از جامعه را دارند و همچنین تأثیرگذارترین نوع از اقشار جامعه محسوب می‌شود این مسئولیت عهده‌دار آنان نیز می‌باشد که دوشادوش مردان حرکت کنند.

زنان باید از مسیر مشارکت‌های سیاسی مانند شرکت در تظاهرات و محافل سیاسی و مذهبی و تشکیل بسیج زنان و تربیت فرزندان در راستای این حرکت عظیم و... به اهداف بلند بیداری اسلامی برسند.

زنان باید موانع را از سر راه بردارند و هر آنچه را که لازم و ضروری می‌دانند انجام دهند تا آنچه غریبان ادعا دارند خلاف آن را ثابت کنند زیرا که دین مبین اسلام در قرآن و روایات و سیره ائمه جواز ورود زنان را در عرصه‌های سیاسی و مخصوصاً در راستای احیای دین اسلام داده‌اند و منع نکرده‌اند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام ۷، قم: دارالفکر، ۱۳۸۶.
- بشیری، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
- جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی، تهران: نشر بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹.
- جلالی فرد، محمد، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و نقش آفرینی جوانان کشورهای اسلامی، بی-جا: پایگاه مطالعات تخصصی اپنا، ۱۳۹۰.
- حکمت‌نیا، مریم و دیگران، الگوپذیری از استراتژی زنان صدر اسلام در تقویت بنیه بیداری اسلامی، فصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- خدادادی، محمداسماعیل، مبانی علم سیاست، قم: یاقوت، ۱۳۸۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن علی بن فضل، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه: غلامرضا حسینی خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳.
- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، ۱۳۷۳.
- طبرسی، احمد، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- عبدالرحمن، محمود، معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه، بی‌جا، بی‌تا.
- عظیم‌زاده، فائزه، مشارکت سیاسی زنان در بیداری اسلامی حق یا تکلیف؟، فصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: چاپ سپهر، ۱۳۷۲.
- کلینی، ابوجعفر محمد یعقوب، اصول کافی، تهران: دارلکتب اسلامیه، ۱۳۶۷.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه محمدجواد غضنی، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۰.
- مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، قم: صدرا، ۱۳۶۴.

— مردانگی، نیره، دائره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۸۶.

— نشریه پیام زن، شماره ۳، ۱۳۷۵.

- www.dokhtiran.ir
- www.jamaran.ghasam.ir
- www.aftabir.com
- www.lalay.ir